

واکاوی مؤلفه‌های سازگار با سبک زندگی اسلامی در الگوی زیست اشتراکی اقشار کم درآمد محله طرلان دره‌سی تبریز

سیده فهیمه مداین شیشوان^۱

لیدا بلیلان اصل^۲

داریوش ستارزاده^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی مؤلفه‌های سازگار با سبک زندگی اسلامی در الگوی زیست اشتراکی اقشار کم درآمد، تجربه زیسته ساکنان محله طرلان دره‌سی تبریز را بررسی کرده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش تحلیل مضمون انجام شد. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۳۰ نفر از ساکنان و مطلعان محلی، به منظور واکاوی تجربه زیسته آنان، گردآوری شد. همچنین، برای اعتبارسنجی مفاهیم و مضامین استخراج شده، دیدگاه‌های ۲۰ نفر از خبرگان حوزه‌های معماری، شهرسازی، مطالعات اجتماعی و سبک زندگی اسلامی اخذ و استفاده شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که زیست اشتراکی در این محله، صرفاً راهکاری اقتصادی برای تأمین سرپناه نیست، بلکه سازوکاری اجتماعی. فرهنگی در مواجهه با بحران مسکن، فشارهای معیشتی و محدودیت دسترسی به سکونت مستقل شهری به شمار می‌رود. نتایج پژوهش بیانگر این است که برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی، مانند تعاون، خانواده محوری، اخلاق همسایگی، مشارکت جمعی و روابط خویشاوندی، در بستر زیست اشتراکی بازتولید می‌شوند. در مقابل، تراکم فضایی، ضعف حریم خصوصی، اختلاط ناخواسته و ناامنی سکونت، زمینه ساز فرسایش آرامش روانی و تضعیف حریمت در زندگی روزمره شده‌اند. تحلیل نهایی داده‌ها نیز نشان داد که تمامی مضامین استخراج شده ذیل مضمون هسته «بازتولید سرمایه اجتماعی اسلامی در بستر زیست اشتراکی» قابل تبیین

۱. دانشجوی دکتری معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

madaeinseyedfahimeh@gmail.com

۲. استاد تمام گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. «نویسنده مسئول».

lidabalilan@hotmail.com.

۳. دانشیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

sattarzadeh@iaui.ac.ir.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵

هستند؛ طبق این مفهوم، زیست اشتراکی، فراتر از راهبردی معیشتی، سازوکاری برای حفظ و بازتولید ارزش‌هایی همچون همیاری، حمایت متقابل، خانواده محوری، اخلاق همسایگی و تعلق اجتماعی در شرایط محدودیت اقتصادی و فضایی است. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت زیست اشتراکی در محله‌های کم‌درآمد، مستلزم بازآفرینی الگوهای بومی سکونت، تقویت حمایت‌های نهادی، طراحی متناسب با حریم فرهنگی و تحقق عدالت فضایی در سیاست‌گذاری مسکن شهری است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، زیست اشتراکی، بازتولید سرمایه اجتماعی اسلامی، محله طرلان‌دره‌سی تبریز، تحلیل مضمون.

Doi: 10.22034/jl.2026.583928.1809

مقدمه

مسکن در مطالعات شهری، صرفاً یک کالبد فیزیکی یا واحد سکونتی تلقی نمی‌شود، بلکه بخشی از نظام اجتماعی تولید فضا و بازنمایی سبک زندگی ساکنان به شمار می‌آید. نحوه سازمان‌یابی فضای سکونت، الگوهای تعامل اجتماعی، میزان دسترسی به حریم خصوصی و شیوه استفاده از فضاهای مشترک، به‌طور مستقیم با ساختار فرهنگی، اقتصادی و ارزشی جامعه پیوند دارد (برگان^۱ و همکاران، ۲۰۲۱، ۱۲۰۸). در دهه اخیر، تشدید بحران اقتصادی، افزایش نرخ اجاره‌بها، کاهش قدرت خرید خانوارها و نابرابری فضایی در شهرهای ایران، الگوهای سکونتی اقشار کم‌درآمد را دستخوش تغییرات معناداری کرده است. یکی از پیامدهای این تحولات، گسترش «زیست اشتراکی» در میان گروه‌های کم‌درآمد شهری است؛ در این الگو، چند فرد یا خانوار، به دلیل محدودیت‌های اقتصادی، بخشی از فضاها و خدمات سکونتی را به صورت مشترک استفاده می‌کنند (گروندستروم^۲ و همکاران، ۲۰۲۴، ۲۰۵۳). در این پژوهش، «زیست اشتراکی» به عنوان نوعی الگوی سکونتی تعریف می‌شود که در آن، چند فرد یا خانوار غیرمستقل، به واسطه محدودیت‌های اقتصادی، ناگزیر از استفاده مشترک از فضاهای خدماتی، ارتباطی یا زیستی، مانند آشپزخانه، سرویس بهداشتی، حیاط یا حتی اتاق‌های سکونت هستند. این الگو با مفهوم «همسایگی سنتی» تفاوت دارد؛ زیرا در زیست اشتراکی، مرزهای فضایی، قلمروهای خصوصی و روابط روزمره، در سطحی فشرده و مستمر بازتعریف می‌شوند.

1. Bergan

2. Grundström

گسترش این الگو در محله‌های اقشار کم‌درآمد، صرفاً یک مسئله کالبدی یا اقتصادی نیست، بلکه واجد پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و هویتی نیز هست. تراکم سکونتی، اشتراک اجباری فضاها، تداخل قلمروهای فردی و کاهش امکان کنترل حریم شخصی، می‌تواند بر الگوهای رفتاری، روابط خانوادگی، مناسبات جنسیتی و شیوه بازتولید ارزش‌های فرهنگی اثر بگذارد. از این منظر، زیست اشتراکی را باید بخشی از فرایند «سازگاری اجباری با بحران مسکن» در شهرهای معاصر ایران دانست. این وضعیت در برخی محله‌های شمالی تبریز، به‌ویژه محله طرلان دره‌سی، نمود عینی و متمرکزتری یافته است. طرلان دره‌سی، به دلیل فرسودگی کالبدی، تراکم جمعیتی، ناپایداری اقتصادی ساکنان، مهاجری و رواج سکونت‌های غیررسمی، به یکی از کانون‌های شکل‌گیری الگوهای متراکم زیست اشتراکی تبدیل شده است. در این محله، اشتراک فضاها، سکونتی نه یک انتخاب فرهنگی، بلکه راهبردی برای بقا و کاهش فشارهای اقتصادی به شمار می‌رود. با این حال، تداوم این وضعیت، ساختار روابط اجتماعی و الگوهای زیست روزمره ساکنان را تحت تأثیر قرار داده و نوعی بازتعریف اجباری از مفاهیمی چون حریم، خانواده، هم‌زیستی و تعامل اجتماعی را پدید آورده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی نسبت میان الگوی زیست اشتراکی در محله طرلان دره‌سی و مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی است. در این مطالعه، «سبک زندگی اسلامی» نه به عنوان الگویی آرمانی و انتزاعی، بلکه مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری، کالبدی سکونتی و اخلاقی تعریف می‌شود که بر مفاهیمی چون حریم‌داری، حفظ کرامت انسانی، عدالت در بهره‌مندی از فضا، روابط همسایگی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رعایت محرمیت استوار است. مسئله اساسی آن است که آیا الگوی زیست اشتراکی موجود در طرلان دره‌سی، ظرفیت بازتولید این مؤلفه‌ها را دارد یا برعکس، به تضعیف آن‌ها می‌انجامد؟ اگرچه بخش عمده‌ای از مطالعات مسکن در ایران بر ابعاد اقتصادی، کالبدی و سیاست‌گذاری متمرکز بوده‌اند، پژوهش‌های اندکی تجربه زیسته ساکنان مسکن‌های اشتراکی را از منظر سبک زندگی و نظام ارزشی بررسی کرده‌اند. به‌ویژه در مطالعات مرتبط با سبک زندگی اسلامی، اغلب بر الگوهای هنجاری و آرمانی تأکید شده و کمتر به نحوه مواجهه اقشار فرودست با محدودیت‌های واقعی سکونت شهری پرداخته شده است. از این رو، خلأ اصلی پژوهش حاضر، فقدان مطالعه‌ای کیفی درباره نحوه بازتعریف ارزش‌های اسلامی در بستر زیست اشتراکی محله‌های اقشار کم‌درآمد است.

پژوهش حاضر، با رویکردی کیفی و مبتنی بر تجربه زیسته ساکنان، می‌کوشد ابعاد اجتماعی، فضایی و فرهنگی زیست اشتراکی در محله طرلان دره‌سی را تحلیل و نحوه سازگاری یا تعارض آن را با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی واکاوی کند. اهمیت این پژوهش، افزون بر توسعه ادبیات نظری در حوزه مسکن و سبک زندگی، فراهم کردن شناختی بومی برای سیاست‌گذاری اجتماعی و طراحی مسکن اقشار کم درآمد است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که: «تجربه زیسته ساکنان محله طرلان دره‌سی تبریز از زیست اشتراکی، چه مؤلفه‌های سازگار با سبک زندگی اسلامی را آشکار می‌سازد؟»

(۱) مبانی نظری پژوهش

(الف) زیست اشتراکی و بازسازمان‌یابی الگوهای سکونت شهری

تحولات اقتصادی، افزایش نابرابری شهری، رشد هزینه‌های مسکن و کاهش توان دسترسی اقشار کم‌درآمد به سکونت مستقل، موجب شکل‌گیری الگوهای جدیدی از سکونت جمعی در شهرهای معاصر شده است (دورت و مک‌کامنت، ۲۰۱۱، ۴۵). در چنین شرایطی، زیست اشتراکی دیگر صرفاً انتخابی مبتنی بر سبک زندگی یا ترجیحی فرهنگی نیست، بلکه بخشی از راهبردهای بقا در مواجهه با بحران مسکن و فشارهای اقتصادی به شمار می‌آید. در این الگو، بخشی از فضاها، خدمات، منابع و فعالیت‌های روزمره به صورت مشترک استفاده می‌شوند و مرز میان قلمروهای خصوصی و جمعی بازتعریف می‌شود (برگان و همکاران، ۲۰۲۱، ۱۲۰۸).

سکونت اشتراکی واجد ماهیتی دوگانه است؛ از یک سو می‌تواند به شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی، تقسیم هزینه‌ها، همیاری اجتماعی و افزایش تعاملات روزمره بینجامد و از سوی دیگر، به دلیل تراکم فضایی، کاهش حریم خصوصی و تداخل روابط انسانی، زمینه بروز تنش، کنترل اجتماعی و فرسایش آرامش روانی را فراهم آورد (فعالی، ۱۳۹۷، ۹۰). از این رو، زیست اشتراکی نه پدیده‌ای صرفاً مثبت و نه صرفاً آسیب‌زا، بلکه وضعیت اجتماعی-فضایی پیچیده‌ای است که کیفیت آن به سازمان فضایی، روابط اجتماعی، سازوکارهای مدیریتی و زمینه‌های فرهنگی جامعه بستگی دارد. در چنین بستری، سکونت اشتراکی را باید فراتر از یک مسئله کالبدی تحلیل کرد؛ زیرا کیفیت زیست در این فضاها، به طور مستقیم تحت تأثیر نحوه استفاده از قلمروهای مشترک، روابط همسایگی، نظام توزیع منابع و شیوه تنظیم

تعاملات اجتماعی قرار دارد. از همین رو، بخش قابل توجهی از مطالعات معاصر شهری بر پیوند میان ساختار فضایی، سرمایه اجتماعی، حریم خصوصی و کیفیت تجربه زیسته در الگوهای سکونت جمعی تمرکز یافته‌اند (مداین شیشوان و همکاران، ۱۴۰۴).

ب) سازمان فضایی، حریم و قلمروهای زیستی

یکی از مهم‌ترین ابعاد تحلیل سکونت اشتراکی، مسئله حریم و سازمان فضایی است. در فضاهای متراکم شهری، کیفیت سکونت تا حد زیادی به نحوه تفکیک قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی وابسته است. حریم، صرفاً یک مرز کالبدی نیست، بلکه سازوکاری اجتماعی برای کنترل تعاملات، حفظ استقلال فردی و تنظیم روابط انسانی به شمار می‌آید. هرچه امکان کنترل قلمروهای فضایی کاهش یابد، احتمال بروز تنش‌های اجتماعی، فشارهای روانی و اختلال در روابط روزمره افزایش می‌یابد (موریرا و سردورا^۱، ۲۰۲۵، ۳).

در الگوهای زیست اشتراکی، استفاده مشترک از آشپزخانه، سرویس‌های بهداشتی، حیاط، ورودی‌ها و فضاهای نیمه عمومی، مرز میان فضای فردی و جمعی را دستخوش تغییر می‌کند. این وضعیت، به ویژه در زمینه کنترل دید، رعایت محرمیت، استقلال رفتاری و تأمین آرامش روانی، اهمیت بیشتری می‌یابد (هیث^۲، ۲۰۲۰، ۱۲۵۸). ازاین رو، کیفیت سازمان فضایی و میزان انعطاف‌پذیری فضا، نقشی مهم در کاهش تعارضات و افزایش سازگاری اجتماعی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، انعطاف‌پذیری کالبدی، یکی از ویژگی‌های مهم سکونت در فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید. امکان تغییر کاربری فضاها، استفاده چندمنظوره از اتاق‌ها، تفکیک موقت قلمروها و قابلیت انطباق با نیازهای خانوادگی، بخشی از منطق فضایی سکونت اسلامی را تشکیل می‌دهد (لی^۳، ۲۰۲۱، ۲). این ویژگی‌ها می‌توانند در شرایط زیست اشتراکی، بخشی از فشارهای ناشی از تراکم فضایی را کاهش دهند و امکان سازگاری بیشتر میان نیازهای فردی و جمعی را فراهم کنند.

ج) روابط اجتماعی، همیاری و سرمایه اجتماعی محلی

زیست اشتراکی صرفاً به معنای اشتراک فضا نیست، بلکه نوعی هم‌زیستی اجتماعی روزمره است که کیفیت آن به سطح اعتماد، همکاری و تعاملات میان ساکنان وابسته است (پایل^۴ و همکاران، ۲۰۲۶). در سکونتگاه‌های کم‌درآمد، ضعف حمایت‌های رسمی و ناپایداری اقتصادی،

1. Moreira & Serdoura

2. Heath

3. Lee

4. Pile

وابستگی ساکنان به شبکه‌های غیررسمی همیاری را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، روابط همسایگی، اعتماد اجتماعی و حمایت متقابل، بخشی از سازوکار بقا و تداوم زندگی روزمره به شمار می‌آیند. مشارکت در نگهداری فضاهای مشترک، تقسیم مسئولیت‌ها، مراقبت جمعی از کودکان، کمک در بحران‌های مالی و همکاری در حل مسائل روزمره، ازجمله جلوه‌های سرمایه اجتماعی در زیست اشتراکی هستند (آندروز و همکاران، ۲۰۲۴، ۵). این روابط می‌توانند به تقویت حس تعلق، افزایش انسجام اجتماعی و شکل‌گیری نوعی نظم غیررسمی محلی بینجامند. بااین حال، سرمایه اجتماعی در زیست اشتراکی همواره کارکردی مثبت ندارد. نزدیکی بیش از حد روابط انسانی، تراکم تعاملات روزمره و کاهش فاصله اجتماعی، می‌تواند زمینه مداخله در زندگی خصوصی، فشار هنجاری، کنترل اجتماعی و بروز تعارضات روزمره را نیز فراهم آورد. ازاین رو، کیفیت روابط اجتماعی در چنین فضاهایی به وجود قواعد رفتاری، احترام متقابل و سازوکارهای تنظیم تعاملات جمعی وابسته است (تان و توه، ۲۰۲۵، ۴).

د) اقتصاد بقا، اشتراک منابع و امنیت سکونتی

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های گسترش زیست اشتراکی، فشارهای اقتصادی و بحران دسترسی به مسکن مستقل است. افزایش اجاره‌بها، کاهش درآمد واقعی خانوارها و ناپایداری اقتصادی، بسیاری از خانوارهای کم درآمد را به سوی اشتراک فضا، منابع و هزینه‌های زندگی سوق داده است (رونالد^۳ و همکاران، ۲۰۲۳، ۳). در چنین شرایطی، زیست اشتراکی به بخشی از «اقتصاد بقا» تبدیل می‌شود؛ در این اقتصاد، اشتراک منابع، تقسیم هزینه‌ها و استفاده جمعی از امکانات، راهکاری برای تداوم سکونت و کاهش فشارهای معیشتی به شمار می‌آید. استفاده مشترک از وسایل خانگی، تقسیم هزینه قبوض، خرید گروهی کالاها و استفاده چندمنظوره از فضاها، بخشی از راهبردهای اقتصادی در الگوی زیست اشتراکی است (کوریتچلی، ۲۰۲۲، ۳۰۰). علاوه بر این، برخی فعالیت‌های اقتصادی خرد و مشاغل خانگی نیز در همین فضاهای اشتراکی شکل می‌گیرند و بخشی از معیشت خانوار را تأمین می‌کنند. در مقابل، نبود امنیت سکونتی، وابستگی به اجاره، جابه‌جایی‌های مکرر و ناتوانی در دسترسی به مسکن پایدار، می‌تواند احساس بی‌ثباتی اجتماعی و ناامنی روانی را تشدید کند. ازاین رو، کیفیت سکونت

1. Andrews

2. Tan & Toh

3. Ronald

4. Coricelli

تنها به دسترسی فیزیکی به سرپناه محدود نمی‌شود، بلکه به میزان ثبات، امنیت و امکان شکل‌گیری حس تعلق به مکان نیز وابسته است (گالو^۱، ۲۰۲۵، ۱۸).

هـ) سبک زندگی اسلامی و بازتولید نظم فرهنگی سکونت

در الگوی اسلامی، سکونت صرفاً محل اقامت نیست، بلکه بستری برای تحقق آرامش، حفظ کرامت انسانی، روابط خانوادگی و شکل‌گیری تعاملات اخلاقی به شمار می‌آید (بلالی اسکویی و نظری، ۱۳۹۹، ۳۰۱). مفاهیمی چون حریم‌داری، خانواده‌محوری، رعایت حقوق همسایه، تعاون اجتماعی، عدالت فضایی و مسئولیت‌پذیری جمعی، از عناصر اصلی این نظام فرهنگی هستند. در این چارچوب، کیفیت سکونت به میزان تحقق آرامش روانی، حفظ محرمیت، امکان تعاملات سالم اجتماعی و پایداری روابط خانوادگی وابسته است. خانه باید امکان حفظ استقلال خانواده، کنترل تعاملات و تأمین امنیت اخلاقی را فراهم کند و در عین حال، زمینه شکل‌گیری روابط همسایگی و همبستگی اجتماعی را نیز حفظ کند (کافی، ۱۴۰۳، ۱۲). الگوهای زیست اشتراکی می‌توانند برخی از مؤلفه‌های این نظم فرهنگی را بازتولید کنند؛ برای مثال، همیاری روزمره، تقسیم منابع، حمایت خویشاوندی، صرفه‌جویی اقتصادی و مراقبت جمعی، با مفاهیمی چون تعاون، اخلاق همسایگی و خانواده‌محوری هم‌پوشانی دارند. در مقابل، تراکم فضایی، ضعف حریم خصوصی، اختلال در قلمروهای جنسیتی، فرسایش آرامش روانی و ناامنی سکونتی، می‌توانند بخشی از کارکردهای فرهنگی و هویتی مسکن را تضعیف کنند. بر این اساس، میزان انطباق زیست اشتراکی با سبک زندگی اسلامی، به نحوه سازمان فضایی، میزان رعایت حریم، کیفیت روابط اجتماعی، امنیت سکونتی و وجود سازوکارهای حمایتی و مدیریتی وابسته است (ملکی و آریان‌کیا، ۱۳۹۸، ۳۹). از این رو، مسئله اصلی نه پذیرش یا رد مطلق زیست اشتراکی، بلکه چگونگی مدیریت و بازتنظیم آن در چارچوب ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه است.

و) سیاست‌گذاری فضایی و بازآفرینی الگوهای بومی سکونت

تحولات الگوهای سکونت در شهرهای معاصر، تنها نتیجه انتخاب‌های فردی نیست، بلکه تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی، بازار زمین، نظام برنامه‌ریزی شهری و نحوه توزیع امکانات شکل می‌گیرد (بویی و بوترومن^۲، ۲۰۲۰، ۹۵). در بسیاری از بافت‌های کم‌درآمد، ضعف

1. Gallo

2. Booi & Boterman

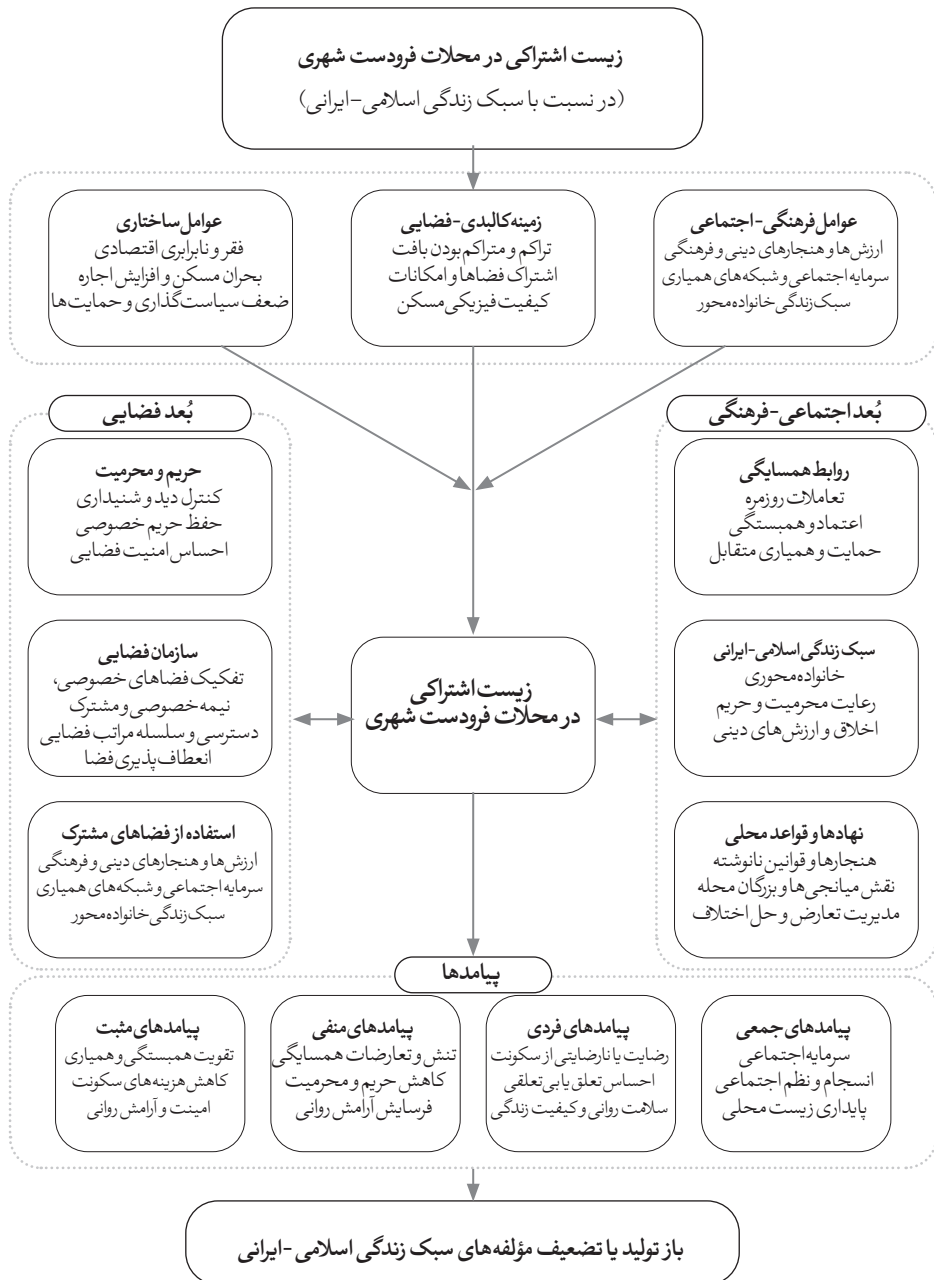
حمایت‌های نهادی، نابرابری فضایی و فقدان سیاست‌های حمایتی، موجب تشدید تراکم سکونتی و گسترش الگوهای ناپایدار سکونت شده است. ازاین‌رو، سیاست‌گذاری شهری زمانی می‌تواند به ارتقای کیفیت سکونت بینجامد که افزون بر مداخلات کالبدی، به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و هویتی سکونت نیز توجه داشته باشد. بازخوانی الگوهای بومی سکونت، بهره‌گیری از ظرفیت روابط همسایگی، تقویت فضاهای نیمه خصوصی، کنترل تراکم سکونتی و حمایت از اقشار کم‌درآمد، ازجمله راهکارهایی است که می‌تواند به ارتقای کیفیت زیست در الگوهای سکونت اشتراکی کمک کند (لوین^۱ و همکاران، ۲۰۲۲، ۲۹۴).

مجموع مباحث نظری نشان می‌دهد که زیست اشتراکی در میان اقشار کم‌درآمد، پدیده‌ای چندبُعدی و اجتماعی-فضایی است که در پیوند با ساختار اقتصادی، سازمان فضایی، روابط اجتماعی و نظام فرهنگی جامعه معنا می‌یابد. کیفیت این نوع از سکونت، صرفاً به ابعاد کالبدی محدود نمی‌شود، بلکه از عواملی چون حریم‌داری، روابط همسایگی، امنیت سکونتی، سرمایه اجتماعی، عدالت فضایی و سازوکارهای حمایتی تأثیر می‌پذیرد. بر این اساس، مدل مفهومی پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض استوار است که زیست اشتراکی می‌تواند هم‌زمان زمینه‌ساز تولید برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و نیز تضعیف برخی دیگر از آن‌ها را فراهم سازد و تحقق هر یک از این دو پیامد، به نحوه سازمان فضایی، کیفیت تعاملات اجتماعی، شرایط اقتصادی و میزان حمایت نهادی وابسته است.

جدول ۱. مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی مرتبط با سکونت

مؤلفه	تعریف
تعاون	همکاری و مشارکت در امور جمعی
خانواده محوری	تقویت روابط خانوادگی
اخلاق همسایگی	احترام متقابل و حمایت اجتماعی
حریم و حریمیت	حفظ قلمرو خصوصی
عدالت فضایی	بهره‌مندی عادلانه از امکانات
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	مشارکت در امور جمعی

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش



۲) پیشینه پژوهش

در مطالعات داخلی سال های اخیر، اگرچه مفهوم «زیست اشتراکی» کمتر به صورت مستقیم بررسی شده است، بخش قابل توجهی از پژوهش ها موضوعاتی همچون حریم، روابط همسایگی، سکونت متراکم و نحوه استفاده از فضاهاى مشترک بررسی کرده اند. سلوکانه میاندواب و همکاران (۱۴۰۲) با استخراج مؤلفه های مسکن مطلوب از نصوص اسلامی، اصولی چون تعامل اجتماعی، وحدت گرایی، اخلاق مداری و رعایت حقوق دیگران را به عنوان ارکان اساسی سکونت معرفی کرده اند. این مؤلفه ها، با تأکید بر پیوند مسکن با طبیعت و الگوی صحیح مصرف، مبنایی نظری برای تبیین ابعاد اجتماعی و محیطی «الگوی زیست اشتراکی» فراهم می آورند. بر این اساس، مسکن اشتراکی سازگار با سبک زندگی اسلامی، فضایی است که در آن، تعاملات جمعی و روابط همسایگی بر پایه ارزش های معنوی، رعایت حریم و احترام به حقوق متقابل سامان می یابد.

پورمحمدی و همکاران (۱۴۰۲) با بررسی رابطه میان تغییرات سبک زندگی و الگوی مسکن اسلامی در کلان شهر تبریز نشان داده اند که دگرگونی های سبک زندگی معاصر، الگوهای سکونت و سازمان فضایی مسکن را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار داده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد فاصله گرفتن از ارزش ها و شیوه های زیست سنتی. اسلامی، به تضعیف برخی ویژگی های هویتی و کارکردی مسکن اسلامی انجامیده است. از این رو، این پژوهش برای مطالعه حاضر اهمیت دارد؛ زیرا بیانگر آن است که بازاندیشی در الگوی زیست اشتراکی سازگار با سبک زندگی اسلامی، باید متناسب با تحولات سبک زندگی معاصر و در عین حال با حفظ اصول فرهنگی و ارزشی صورت گیرد.

باقری و همکاران (۱۴۰۱) با واکاوی جامعه شناختی تحولات سبک زندگی ایرانی. اسلامی، روند تغییرات، تفاوت ها و شکاف های ارزشی شکل گرفته در نهاد خانواده را تحلیل کرده اند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که ارزش های رفتاری و خانوادگی، تحت تأثیر فرایند گذار جامعه به سوی مدرنیته، دستخوش تحول و پویایی شده اند. این نتایج تأیید می کنند که طراحی هرگونه الگوی زیست اشتراکی سازگار با سبک زندگی اسلامی، مستلزم شناخت دقیق شکاف های ارزشی نسل جدید و تلاش برای ایجاد هم سویی میان ارزش های اسلامی و مقتضیات زندگی معاصر است.

در همین راستا، پوسپارینی^۱ و همکاران (۲۰۲۶) نشان دادند که سبک زندگی اسلامی بر اصولی همچون ساده‌زیستی، مصرف اخلاقی و مسئولیت اجتماعی استوار است و می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش فردگرایی بینجامد. این یافته برای پژوهش حاضر اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد موفقیت الگوهای زیست اشتراکی، تنها به اشتراک فیزیکی فضا وابسته نیست، بلکه در گرو پابندی به ارزش‌هایی چون احترام متقابل، رعایت حریم فردی و تعاملات اجتماعی مسئولانه است. همچنین، کبیر^۲ و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی درباره کاربردهای سبک زندگی اسلامی نشان دادند که فناوری‌های معاصر، در کنار پاسخ‌گویی به نیازهای روزمره، می‌توانند ابعاد معنوی و هویتی کاربران مسلمان را نیز تقویت کنند. یافته‌های آنان بیانگر این است که کاربران، به‌ویژه نسل جوان، تمایل دارند الگوهای زندگی مدرن با ارزش‌های فرهنگی و دینی سازگار باشد. این دیدگاه در ارتباط با سکونت اشتراکی نیز اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد طراحی الگوهای زیست اشتراکی نباید صرفاً بر اشتراک عملکردی فضا متمرکز باشد، بلکه لازم است به نیازهای هویتی، فرهنگی و حریم فردی ساکنان نیز توجه شود تا کیفیت هم‌زیستی اجتماعی ارتقا یابد. رحمة^۳ و همکاران (۲۰۲۵) با بررسی پروژه‌های مسکن اسلامی و مفهوم «محیط اسلامی»، بر اهمیت آگاهی محیطی و تجسم مفاهیم اعتقادی در کالبد معماری تأکید کرده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که تحقق محیط مطلوب اسلامی، فراتر از فرم، در گرو پیوند میان مبانی نظری و اجرای الگوهای سازگار با طبیعت است. این پژوهش بدین جهت برای تبیین الگوی زیست اشتراکی اهمیت دارد که نشان می‌دهد پایداری محیطی و آگاهی زیست محیطی باید به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین در طراحی فضاهای جمعی و سبک زندگی اسلامی در نظر گرفته شود. همچنین، فیاض^۴ (۲۰۲۱) در رساله خود تصریح می‌کند که راهبرد پیشنهادی مسکن کم‌درآمد برای لاهور باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که هم با ارزش‌های اجتماعی. فرهنگی ساکنان همخوان باشد و هم اصول برنامه‌ریزی و محیطی برگرفته از سنت اسلامی را در مقیاس محله و واحد مسکونی بازتاب دهد. وی برای تحقق این هدف، ضمن مرور نظریه‌ها و منابع مرتبط، شاخص‌های پایداری و استطاعت‌پذیری را استخراج کرده و با بهره‌گیری از داده‌های میدانی، شامل دیدگاه کارشناسان و نیازهای اجتماعی. فرهنگی خانوارهای کم‌درآمد، آن‌ها را تحلیل و اولویت‌بندی

1. Pusparini

2. Kabir

3. Rahmah

4. Fiaz

کرده است؛ سپس طرح محله و پلان های مسکونی را بر همان مبنا توسعه داده است؛ بنابراین، منظور او از «مؤلفه های سازگار با سبک زندگی اسلامی» در قالب الگوی زیست جمعی و همسایگی، تأکید بر سازمان دهی فضایی منطبق با ارزش ها و آداب اجتماعی و نیز طراحی پایدار و مقرون به صرفه است.

مرور پیشینه پژوهش نشان می دهد که با وجود توجه مطالعات پیشین به ابعاد کالبدی و مدیریتی سکونت اشتراکی، همچنان چند خلأ اساسی در این حوزه وجود دارد. نخست آنکه، تجربه زیسته اقشار کم درآمد از زیست اشتراکی، کمتر با رویکردی کیفی و عمیق بررسی شده است. دوم آنکه، مفهوم سبک زندگی اسلامی عمدتاً در سطح مباحث نظری باقی مانده و کمتر در نسبت با واقعیت های سکونت متراکم تحلیل شده است. سوم آنکه، پیوند میان مؤلفه هایی چون حریم، محرمیت، همیاری، عدالت فضایی و زیست روزمره ساکنان در محلات اقشار کم درآمد، به صورت یکپارچه مطالعه نشده است. از این رو، پژوهش حاضر می کوشد با تمرکز بر تجربه زیسته ساکنان محله طرلان دره سی تبریز، ابعاد اجتماعی - فضایی زیست اشتراکی را در نسبت با مؤلفه های سبک زندگی اسلامی بازخوانی کند.

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی است و با رویکرد تحلیل مضمون انجام شده است. انتخاب رویکرد کیفی، با توجه به ماهیت تفسیری مسئله پژوهش و ضرورت فهم تجربه زیسته ساکنان از زیست اشتراکی در بستر سبک زندگی اسلامی صورت گرفته است. این پژوهش در پی آن است که فراتر از ابعاد کالبدی سکونت، لایه های اجتماعی، فرهنگی و معنایی حاکم بر الگوی زیست اشتراکی اقشار کم درآمد را در محله طرلان دره سی تبریز شناسایی و تبیین کند.

جامعه مشارکت کنندگان پژوهش را ساکنان محله طرلان دره سی تبریز و خبرگان حوزه های معماری، شهرسازی، مطالعات اجتماعی، سبک زندگی اسلامی و برنامه ریزی شهری تشکیل دادند. داده های پژوهش از طریق مصاحبه با ساکنان، به منظور واکاوی تجربه زیسته آنان و گفت وگو با خبرگان، برای اعتبارسنجی مفاهیم گردآوری شد. بدین منظور، ۳۰ نفر از ساکنان محله که تجربه مستقیمی از زیست اشتراکی داشتند، با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند و فرایند مصاحبه ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت.

همچنین، به منظور افزایش اعتبار علمی یافته‌ها و ارزیابی میزان انطباق مضامین استخراج‌شده با مبانی نظری پژوهش، با ۲۰ نفر از خبرگان و متخصصان حوزه‌های مرتبط نیز مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق بود. پرسش‌های مصاحبه با ساکنان پیرامون تجربه زندگی در زیست اشتراکی، نحوه استفاده از فضاهای مشترک، روابط همسایگی، الگوهای همیاری، حریم و محرمیت، مشارکت اجتماعی و نیز فرصت‌های این شیوه سکونت طراحی شد. همچنین، در گفت‌وگو با خبرگان، میزان انطباق مفاهیم استخراج‌شده با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و ابعاد نظری موضوع بررسی شد. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط، سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی و چندین بار بازخوانی شدند. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت.

در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها به‌طور دقیق مطالعه و کدهای اولیه استخراج شد. در مرحله دوم، کدهای مشابه در قالب مضامین پایه دسته‌بندی شدند. سپس، با ادغام و سازمان‌دهی مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفت و درنهایت، مضامین فراگیر پژوهش استخراج شد. برای افزایش اعتبار تحلیل، مضامین به‌دست‌آمده در اختیار خبرگان قرار گرفت و پس از دریافت دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اصلاحی، چارچوب نهایی مفاهیم تدوین شد. به‌منظور تأمین اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌ها، از معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا، شامل اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری، استفاده شد. بازبینی مستمر داده‌ها، کنترل فرایند کدگذاری، مرور یافته‌ها از سوی مشارکت‌کنندگان و بهره‌گیری از دیدگاه خبرگان برای اعتبارسنجی مفاهیم، ازجمله اقداماتی بود که برای افزایش کیفیت و استحکام یافته‌های پژوهش انجام شد.

۴) یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر حاصل تحلیل کیفی مصاحبه‌های عمیق با ۲۰ نفر از خبرگان حوزه‌های معماری، شهرسازی، مطالعات اجتماعی و سبک زندگی اسلامی درباره الگوی زیست اشتراکی در محله طرلان دره‌سی تبریز است. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در فرایند تحلیل، مفاهیم اولیه استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در قالب مضامین پایه سازمان‌دهی شدند، سپس با ادغام و دسته‌بندی این مضامین، مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفت و درنهایت، شبکه‌ای علی، زمینه‌ای و پیامدی میان مؤلفه‌های زیست اشتراکی و سبک زندگی اسلامی شکل گرفت.

کدگذاری باز

جدول ۲. کدگذاری باز

شناسه	کدهای باز استخراج شده	فراوانی تقریبی	تفسیر در چارچوب سبک زندگی اسلامی
C1	اشتراک سرویس های بهداشتی	زیاد	تضعیف حریم خصوصی و حریمیت
C2	نبود تفکیک فضایی مناسب	زیاد	اختلال در آرامش و قلمرو خانوادگی
C3	کنترل دید در فضاهای مشترک	متوسط	اهمیت حریم بصری در فرهنگ اسلامی
C4	شنیداری بودن واحدها	زیاد	فرسایش آرامش روانی
C5	محدودیت استفاده زنان از فضا	زیاد	تشدید کنترل اجتماعی جنسیتی
C6	نبود فضای مستقل عبادت	متوسط	تضعیف کارکرد معنوی مسکن
C7	تغییر کاربری فضاها	زیاد	انعطاف پذیری خانواده محور
C8	استفاده چندمنظوره از اتاق ها	زیاد	سازگاری فضایی در اقتصاد معیشتی
C9	جداسازی موقت فضاها	متوسط	تلاش برای حفظ حریمیت
C10	استفاده مشترک از حیاط	زیاد	بازتولید همزیستی سنتی
C11	حفظ الگوهای هم جواری سنتی	متوسط	تداوم فرهنگ همسایگی اسلامی
C12	ترجیح سکونت نزدیک خویشاوندان	زیاد	تقویت صله رحم
C13	احساس تعلق به محله	متوسط	شکل گیری هویت مکانی
C14	مشارکت در نظافت مشاعات	زیاد	بازتولید مفهوم تعاون
C15	مراقبت جمعی از کودکان	زیاد	مسئولیت اجتماعی مشترک
C16	کمک در بحران های مالی	زیاد	حمایت متقابل معیشتی
C17	تقسیم مسئولیت ها	متوسط	شکل گیری نظم جمعی
C18	تصمیم گیری جمعی درباره هزینه ها	زیاد	تحقق اصل شوری
C19	مشارکت در حل اختلافات	متوسط	تنظیم روابط همسایگی
C20	وجود افراد معتمد در مدیریت داخلی	متوسط	میانجی گری اجتماعی
C21	دخالت در زندگی خصوصی	زیاد	فرسایش قلمرو فردی

شناسه	کدهای باز استخراج شده	فراوانی تقریبی	تفسیر در چارچوب سبک زندگی اسلامی
C22	اختلاف بر سر استفاده از فضا	زیاد	پیامد کمبود منابع مشترک
C23	فشار اجتماعی بر زنان	زیاد	تشدید نظارت اجتماعی
C24	تنش ناشی از حضور نامحرم	زیاد	تعارض تراکم و محرمیت
C25	تقسیم هزینه اجاره و قبوض	زیاد	صرفه جویی اقتصادی
C26	استفاده مشترک از وسایل خانگی	زیاد	اقتصاد اشتراکی معیشتی
C27	خرید گروهی کالاها	متوسط	کاهش فشار اقتصادی
C28	انجام مشاغل خانگی	متوسط	تأمین معیشت حلال
C29	تولیدات خرد خانوادگی	متوسط	اقتصاد خانواده محور
C30	ناتوانی در مالکیت مستقل	زیاد	ناامنی سکونتی
C31	جابه جایی مکرر	زیاد	بی ثباتی اجتماعی
C32	سکونت چندنسلی	متوسط	استمرار خانواده گسترده
C33	حمایت از سالمندان و کودکان	متوسط	مراقبت بین نسلی
C34	رعایت نوبت در استفاده از فضا	زیاد	احترام به حقوق همسایه
C35	پرهیز از مزاحمت	متوسط	اخلاق همسایگی
C36	دسترسی به مسجد و خدمات محلی	متوسط	عدالت فضایی
C37	خستگی ناشی از ازدحام	زیاد	فرسایش روانی
C38	نبود خلوت فردی	زیاد	تضعیف سکن بودن مسکن
C39	دشواری رعایت حجاب	زیاد	بحران محرمیت
C40	تغییر مداوم هم خانه ها	متوسط	کاهش اعتماد اجتماعی
C41	نیاز به تسهیلات حمایتی	زیاد	ضرورت مداخله نهادی
C42	ضعف نظارت بر کیفیت سکونت	متوسط	ناکارآمدی مدیریت شهری
C43	تمایل به الگوهای حیاط محور	متوسط	بازخوانی معماری اسلامی
C44	ضرورت کنترل بازار اجاره	زیاد	عدالت در حق سکونت

جدول شماره ۲ حاصل نخستین مرحله تحلیل داده‌های کیفی پژوهش بر اساس روش تحلیل مضمون براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) است. در این مرحله، متن کامل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۲۰ نفر از خبرگان حوزه‌های معماری، شهرسازی، مطالعات اجتماعی و سبک زندگی اسلامی، به صورت دقیق بررسی شد تا مفاهیم آشکار و پنهان مرتبط با زیست اشتراکی شناسایی و استخراج شود. هدف اصلی این مرحله، شناسایی واحدهای معنایی اولیه و تبدیل تجربه‌های روایی مشارکت‌کنندگان به مفاهیم قابل تحلیل بود.

در فرایند اولیه تحلیل، در مجموع ۳۴۵ کد اولیه از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. این کدها شامل گزاره‌ها، توصیف‌ها و مفاهیمی بودند که مشارکت‌کنندگان درباره تجربه زیست اشتراکی، حریم، اقتصاد معیشتی، روابط همسایگی، تنش‌های اجتماعی و الگوهای فضایی مطرح کرده بودند. پس از مقایسه مستمر داده‌ها، حذف مفاهیم تکراری و ادغام کدهای هم‌پوشان، تعداد کدها به ۸۷ مفهوم تقلیل یافت. در ادامه، با استفاده از معیارهای «فراوانی تکرار»، «غنای مفهومی» و «ارتباط مستقیم با مسئله پژوهش»، ۴۴ کد به عنوان کدهای باز نهایی انتخاب و در جدول شماره ۲ ارائه شد. تحلیل جدول نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی کدهای استخراج شده به سه حوزه اصلی اختصاص دارد: «بحران حریم و محرمیت»، «اقتصاد بقا و اشتراک منابع» و «روابط اجتماعی در زیست متراکم». برای نمونه، کدهایی مانند «اشتراک سرویس‌های بهداشتی» (C۱)، «نبود تفکیک فضایی مناسب» (C۲)، «شنیداری بودن واحدها» (C۴) و «دشواری رعایت حجاب» (C۳۹)، از پرتکرارترین کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها بودند. فراوانی بالای این کدها نشان می‌دهد که مسئله حریم خصوصی و محرمیت، اصلی‌ترین چالش تجربه زیست اشتراکی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان است. آنان بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند که تراکم فضایی و استفاده مشترک و اجباری از برخی فضاها، مرز میان قلمرو خصوصی و عمومی را تضعیف کرده و به کاهش احساس آرامش روانی خانواده‌ها انجامیده است. در حوزه روابط اجتماعی نیز کدهایی مانند «مشارکت در نظافت مشاعات» (C۱۴)، «مراقبت جمعی از کودکان» (C۱۵)، «کمک در بحران‌های مالی» (C۱۶) و «تصمیم‌گیری جمعی درباره هزینه‌ها» (C۱۸) از فراوانی بالایی برخوردار بودند. این کدها نشان می‌دهد که زیست اشتراکی صرفاً یک وضعیت بحرانی یا کالبدی نیست، بلکه در بطن خود نوعی شبکه حمایت اجتماعی و الگوی تعاون روزمره را نیز بازتولید می‌کند. درواقع، ساکنان از

طریق تقسیم مسئولیت‌ها و همکاری در مدیریت امور مشترک نوعی سرمایه اجتماعی محلی را شکل داده‌اند که با مفاهیمی همچون «تعاون» و «همیاری» در سبک زندگی اسلامی قابل تبیین است.

بخش دیگری از کدهای پرتکرار به اقتصاد معیشتی و راهبردهای بقا اختصاص داشت. کدهایی مانند «تقسیم هزینه اجاره و قبوض» (C۲۵)، «استفاده مشترک از وسایل خانگی» (C۲۶) و «خرید گروهی کالاها» (C۲۷) نشان می‌دهد که اشتراک منابع، مهم‌ترین راهبرد خانوارهای کم‌درآمد برای کاهش فشارهای اقتصادی بوده است. همچنین، مضامینی مانند «انجام مشاغل خانگی» (C۲۸) و «تولیدات خرد خانوادگی» (C۲۹) بیانگر آن است که فضای سکونت، افزون بر کارکرد زیستی، به عرصه‌ای برای تأمین معیشت و شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی نیز تبدیل شده است.

همچنین، بخشی از کدهای استخراج‌شده به پیامدهای منفی زیست اشتراکی اشاره دارد. مضامینی مانند «دخالت در زندگی خصوصی دیگران» (C۲۱)، «فشار اجتماعی بر زنان» (C۲۳)، «خستگی ناشی از ازدحام» (C۳۷) و «نبود خلوت فردی» (C۳۸) نشان می‌دهد که زیست متراکم، افزون بر ایجاد برخی اشکال همبستگی اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز فرسایش روانی، تشدید کنترل اجتماعی و بروز تنش‌های روزمره نیز باشد. این یافته نشان‌دهنده ماهیت دوگانه زیست اشتراکی است؛ به‌گونه‌ای که هم‌زمان، ظرفیت بازتولید همیاری اجتماعی و تضعیف حریم فردی را در خود دارد.

در مجموع، جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که تجربه زیست اشتراکی در محله طرلان‌دره‌سی تبریز، صرفاً یک مسئله کالبدی یا اقتصادی نیست، بلکه شبکه پیچیده‌ای از روابط فضایی، اجتماعی، فرهنگی و معیشتی را دربرمی‌گیرد. کدهای استخراج‌شده بیانگر آن است که ساکنان در مواجهه با بحران مسکن و فقر شهری، از طریق سازوکارهایی مانند اشتراک منابع، همیاری روزمره و بازتفسیر الگوهای سنتی سکونت، کوشیده‌اند نوعی تعادل میان بقا، حریم و زندگی جمعی برقرار کنند؛ هرچند این تعادل همواره با تنش، محدودیت و فرسایش روانی همراه بوده است.

کدگذاری محوری

جدول ۳. کدگذاری محوری پژوهش

مؤلفه کلان	مقوله محوری	کدهای باز مرتبط	تبیین مفهومی
سازمان فضایی و حریم	حریم داری فضایی	C1, C2, C3, C4, C5, C6, C39	کاهش قلمرو خصوصی و اختلال در حریمیت، مهم ترین پیامد زیست متراکم در الگوی سکونت اشتراکی است.
	انعطاف پذیری کالبدی	C7, C8, C9	خانوارها از طریق تغییرپذیری فضاها تلاش می کنند محدودیت کالبدی را با نیازهای فرهنگی و خانوادگی سازگار کنند
	هویت بومی سکونت	C10, C11, C12, C13, C43	بازتولید الگوهای سنتی هم جواری و سکونت خویشاوندی موجب تقویت تعلق مکانی و هویت بومی شده است
روابط اجتماعی و سرمایه اجتماعی	همزیستی و تعامل اجتماعی	C14, C15, C16	زیست اشتراکی زمینه شکل گیری همیاری روزمره و حمایت متقابل اجتماعی را فراهم کرده است.
	مشارکت و حکمرانی جمعی	C17, C18, C19, C20	مدیریت اشتراکات و تصمیم گیری جمعی، سازوکار اصلی حفظ نظم اجتماعی در فضای اشتراکی است.
	کنترل اجتماعی و تنش	C21, C22, C23, C24	تراکم فضایی و نزدیکی مداوم روابط انسانی، کنترل اجتماعی و تعارضات همسایگی را تشدید کرده است.
	اشتراک منابع معیشتی	C25, C26, C27	اشتراک منابع و هزینه ها مهم ترین راهبرد بقا در شرایط فشار اقتصادی است.
اقتصاد بقاء و اشتراک منابع	اقتصاد غیررسمی و مشاغل خانگی	C28, C29	فضای سکونت علاوه بر کارکرد زیستی، به عرصه تولید معیشت و اقتصاد خرد خانوادگی تبدیل شده است.
	مالکیت و امنیت سکونتی	C30, C31	وابستگی به اجاره و جابه جایی مداوم موجب تضعیف امنیت سکونتی و تعلق اجتماعی شده است.

مؤلفه کلان	مقوله محوری	کدهای باز مرتبط	تبیین مفهومی
بازتولید سبک زندگی اسلامی	خانواده محوری	C12, C32, C33	استمرار سکونت چندنسلی و حمایت خانوادگی، بازتاب تداوم الگوی خانواده گسترده اسلامی است.
	اخلاق همسایگی	C14, C34, C35	احترام متقابل، رعایت نوبت و همکاری روزمره، بازتولید ارزش‌های همسایگی در فرهنگ اسلامی است
	عدالت فضایی	C36, C44	دسترسی به خدمات شهری و کنترل نابرابری فضایی، بخشی از حق سکونت عادلانه تلقی می‌شود
تعارضات زیست اشتراکی	فرسایش روانی	C4, C37, C38	ازدحام، فقدان خلوت فردی و تراکم فضایی، آرامش روانی ساکنان را کاهش داده است
	بحران حریم و حریمیت	C1, C2, C5, C24, C39	تداخل قلمروهای خصوصی و عمومی موجب بحران حریمت در زندگی روزمره شده است.
	نامنی و بی‌ثباتی اجتماعی	C30, C31, C40	بی‌ثباتی سکونت و تغییر مداوم ساکنان، اعتماد اجتماعی را تضعیف کرده است.
سیاست‌گذاری و بازآفرینی بومی سکونت	حمایت نهادی	C41, C42	ضعف مداخله نهادی و کمبود سیاست‌های حمایتی، فشار زیست اشتراکی را تشدید کرده است.
	بازتفسیر الگوهای سنتی سکونت	C10, C11, C43	الگوهای سنتی سکونت می‌توانند مبنایی بومی برای سامان‌دهی مسکن اشتراکی باشند.
	تنظیم‌گری و عدالت فضایی	C44, C36	ضرورت مداخله سیاستی برای کنترل بازار اجاره و توزیع عادلانه خدمات شهری مورد تأکید قرار گرفت.

جدول شماره ۲ حاصل مرحله دوم تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر است که با استفاده از روش کدگذاری محوری اشتراوس و کوربین و در امتداد تحلیل مضمون براون و کلارک انجام شد. در این مرحله، هدف صرفاً استخراج مفاهیم پراکنده نبود، بلکه تلاش شد میان کدهای باز مرحله قبل، پیوندهای مفهومی، روابط علی و الگوهای معنایی مشترک شناسایی شود. بر همین

اساس، ۴۴ کد باز نهایی در قالب ۱۸ مقوله محوری و ۶ مؤلفه کلان سامان دهی شدند تا ساختار درونی تجربه زیسته زیست اشتراکی در محله طرلان دره سی تبریز آشکار شود. تحلیل محوری نشان داد که تجربه زیست اشتراکی در این محله، نه وضعیتی صرفاً کالبدی، بلکه شبکه‌ای پیچیده از روابط فضایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که در آن، بحران مسکن و فقر شهری با الگوهای فرهنگی و سبک زندگی اسلامی درهم تنیده شده‌اند. داده‌ها نشان می‌دهد که ساکنان برای سازگاری با فشارهای اقتصادی، هم‌زمان به «بازتعریف حریم»، «اشتراک منابع»، «تقویت روابط همسایگی» و «بازتفسیر الگوهای سنتی سکونت» روی آورده‌اند.

در مؤلفه «سازمان فضایی و حریم»، سه مقوله محوری شامل «حریم داری فضایی»، «انعطاف پذیری کالبدی» و «هویت بومی سکونت» شکل گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داد که مسئله حریم، پرتکرارترین و محوری‌ترین مضمون در تجربه زیسته ساکنان بوده است. کدهایی مانند «اشتراک سرویس‌های بهداشتی»، «نبود تفکیک فضایی» و «دشواری رعایت حجاب» نشان می‌دهد که زیست متراکم، موجب تداخل قلمروهای خصوصی و عمومی شده است. در مقابل، برخی خانوارها از طریق تغییر کاربری فضاها، جداسازی موقت و استفاده چندمنظوره از اتاق‌ها، کوشیده‌اند نوعی انعطاف‌پذیری کالبدی برای حفظ حداقلی از حریمیت ایجاد کنند. همچنین، تمایل به الگوهای حیاط‌محور و سکونت خویشاوندی، نشان‌دهنده بازتولید عناصر معماری و روابط سنتی در قالب جدید زیست اشتراکی است.

در مؤلفه «روابط اجتماعی و سرمایه اجتماعی»، سه مقوله «هم‌زیستی و تعامل اجتماعی»، «مشارکت و حکمرانی جمعی» و «کنترل اجتماعی و تنش» استخراج شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که زیست اشتراکی، هم‌زمان دو پیامد متضاد را به همراه داشته است؛ از یک سو، زمینه شکل‌گیری همیاری روزمره، مراقبت جمعی از کودکان و کمک در بحران‌های مالی را فراهم کرده و نوعی سرمایه اجتماعی محلی را پدید آورده است؛ اما از سوی دیگر، نزدیکی مداوم روابط انسانی و تراکم فضایی، به افزایش کنترل اجتماعی، دخالت در زندگی خصوصی و تنش‌های همسایگی منجر شده است. به‌ویژه زنان، بیشترین فشار اجتماعی را در فضاهای مشترک تجربه کرده‌اند و محدودیت در استفاده از فضاهای نیمه عمومی، یکی از مضامین پرتکرار مصاحبه‌ها بوده است.

در مؤلفه «اقتصاد بقا و اشتراک منابع»، سه مقوله «اشتراک منابع معیشتی»، «اقتصاد غیررسمی و مشاغل خانگی» و «مالکیت و امنیت سکونتی» شکل گرفت. تحلیل داده‌ها

نشان داد که اشتراک منابع، مهم‌ترین راهبرد خانوارهای کم‌درآمد برای مقابله با فشارهای اقتصادی بوده است. تقسیم اجاره، استفاده مشترک از وسایل خانگی و خرید گروهی کالاها، ازجمله سازوکارهای کاهش هزینه‌های زندگی به شمار می‌روند. در کنار آن، فضای سکونت به بستری برای مشاغل خانگی و تولیدات خرد تبدیل شده و مرز میان فضای زیست و فضای کار تا حد زیادی از میان رفته است. در عین حال، وابستگی به اجاره و جابه‌جایی مداوم، موجب شکل‌گیری احساس ناامنی سکونتی و بی‌ثباتی اجتماعی شده است.

در مؤلفه «بازتولید سبک زندگی اسلامی»، مقوله‌های «خانواده محوری»، «اخلاق همسایگی» و «عدالت فضایی» استخراج شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم فشارهای ناشی از فقر و تراکم، برخی عناصر سبک زندگی اسلامی همچنان در زیست اشتراکی بازتولید می‌شوند. سکونت چندنسلی، حمایت از سالمندان و کودکان، رعایت نوبت در استفاده از فضاهای مشترک و کمک به همسایگان در شرایط بحرانی، همگی بیانگر استمرار نوعی اخلاق همسایگی و خانواده محوری هستند. همچنین، دسترسی به مسجد، خدمات محلی و امکانات شهری، در ذهن ساکنان با مفهوم «حق سکونت عادلانه» پیوند خورده و مسئله عدالت فضایی را به یکی از دغدغه‌های اصلی آنان تبدیل کرده است.

در مؤلفه «تعارضات زیست اشتراکی»، سه مقوله «فرسایش روانی»، «بحران حریم و محرمیت» و «ناامنی و بی‌ثباتی اجتماعی» شکل گرفت. این بخش از یافته‌ها نشان می‌دهد که زیست اشتراکی، افزون بر ظرفیت‌های حمایتی، پیامدهای روانی و اجتماعی نیز به همراه داشته است. ازدحام، فقدان خلوت فردی و شنیداری بودن واحدها، احساس خستگی و فرسودگی روانی را افزایش داده است. همچنین، تداخل حضور نامحرم، دشواری رعایت حجاب و کنترل اجتماعی، بحران محرمیت را به یکی از اصلی‌ترین تعارضات زندگی روزمره تبدیل کرده است. بی‌ثباتی سکونت و تغییر مداوم هم‌خانه‌ها نیز موجب کاهش اعتماد اجتماعی و تضعیف حس تعلق شده است.

درنهایت، مؤلفه «سیاست‌گذاری و بازآفرینی بومی سکونت» شامل مقوله‌های «حمایت نهادی»، «بازتفسیر الگوهای سنتی سکونت» و «تنظیم‌گری و عدالت فضایی» بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که ساکنان، ضعف حمایت نهادی و ناکارآمدی سیاست‌های مسکن را یکی از عوامل اصلی تشدید بحران سکونت می‌دانند. در مقابل، تمایل به بازخوانی الگوهای سنتی، همچون خانه‌های حیاط‌دار و سکونت خویشاوندی، به عنوان راهکاری بومی برای

کاهش تنش های زیست اشتراکی مطرح شده است. همچنین، ضرورت کنترل بازار اجاره، جلوگیری از استثمار مستأجران و توزیع عادلانه خدمات شهری، از مهم ترین مطالبات مطرح در مصاحبه ها بوده است.

در مجموع، تحلیل محوری نشان می دهد که زیست اشتراکی در بافت محلات اقشار کم درآمد، واجد ماهیتی دوگانه است؛ از یک سو، راهبردی برای بقا، همیاری و بازتولید برخی ارزش های فرهنگی و دینی به شمار می رود و از سوی دیگر، بحران حریم، فرسایش روانی و بی ثباتی اجتماعی را تشدید می کند..

کدگذاری انتخابی

جدول ۴. کدگذاری انتخابی پژوهش

مقوله هسته	مقوله های محوری مرتبط	تبیین نهایی
بازتولید سرمایه اجتماعی زیست اشتراکی	حریم داری فضایی، انعطاف پذیری کالبدی، هویت بومی سکونت	سازمان فضایی زیست اشتراکی در محله طرلان دره سی تبریز بر پایه بازتنظیم حریم، استفاده چندمنظوره از فضا و بازتولید برخی الگوهای بومی سکونت شکل گرفته است؛ به گونه ای که ساکنان تلاش می کنند در شرایط محدودیت فضایی، تعادل نسبی میان محرمیت، تعامل اجتماعی و نیازهای روزمره خانوار برقرار کنند.
	همزیستی و تعامل اجتماعی، مشارکت و حکمرانی جمعی، اخلاق همسایگی	زیست اشتراکی موجب شکل گیری الگوهای همیاری روزمره، مشارکت جمعی و مسئولیت پذیری اجتماعی شده است. تقسیم مسئولیت ها، مشارکت در نگهداری فضاهای مشترک و تصمیم گیری جمعی درباره مسائل سکونتی، نشان دهنده بازتولید مؤلفه هایی چون تعاون، شوری و اخلاق همسایگی در زندگی روزمره ساکنان است.
	اشتراک منابع معیشتی، اقتصاد غیررسمی و مشاغل خانگی، مالکیت و امنیت سکونتی	اشتراک منابع و استفاده جمعی از امکانات، مهم ترین راهبرد اقتصادی ساکنان برای تداوم سکونت در شرایط فشار معیشتی است. تقسیم هزینه ها، استفاده مشترک از تجهیزات و شکل گیری مشاغل خانگی، نوعی اقتصاد معیشتی مشارکتی را در بستر زیست اشتراکی ایجاد کرده است.

مقوله هسته	مقوله‌های محوری مرتبط	تبیین نهایی
بازتولید سرمایه اجتماعی اسلامی در بستر زیست اشتراکی	خانواده محوری، بازتولید سبک زندگی اسلامی، بازتفسیر الگوهای سنتی سکونت	استمرار روابط خویشاوندی، سکونت چندنسلی و ترجیح هم‌جواری آشنایان و بستگان، نشان می‌دهد که بخشی از الگوهای سنتی سکونت اسلامی در فضای زیست اشتراکی بازتولید شده و همچنان در تجربه زیسته ساکنان تداوم دارد.
	بحران حریم و محرمیت، فرسایش روانی، کنترل اجتماعی و تنش، ناامنی و بی‌ثباتی اجتماعی	تراکم فضایی، اشتراک اجباری فضاها و ضعف تفکیک کالبدی، موجب بروز تعارض‌هایی در زمینه حریم خصوصی، آرامش روانی و امنیت اجتماعی شده است. محدودیت خلوت فردی، فشارهای ناشی از کنترل اجتماعی و دشواری رعایت محرمیت، از مهم‌ترین چالش‌های زیست اشتراکی در بافت مورد مطالعه است.
	حمایت نهادی، تنظیم‌گری و عدالت فضایی	یافته‌ها نشان می‌دهد که تداوم و بهبود زیست اشتراکی نیازمند مداخله سیاستی، کنترل بازار اجاره، حمایت از اقشار کم‌درآمد و بازآفرینی بومی الگوهای سکونت است تا امکان تحقق عدالت فضایی و سکونت شرافتمندانه برای ساکنان فراهم شود.

جدول شماره ۳ بیانگر مرحله نهایی تحلیل داده‌ها در فرایند کدگذاری انتخابی است که با الهام از رویکرد اشتراوس و کوربین انجام شد. در این مرحله، هدف پژوهش صرفاً طبقه‌بندی مفاهیم و مقوله‌ها نبود، بلکه تلاش شد تمامی مضامین و مقوله‌های محوری در قالب یک مفهوم انتزاعی و تبیین‌کننده سازمان یابند. درواقع، کدگذاری انتخابی مرحله‌ای است که در آن پژوهشگر با یکپارچه‌سازی مقوله‌های محوری، به سازوکار اصلی نهفته در داده‌ها دست می‌یابد و روایت نهایی پژوهش را صورت‌بندی می‌کند. بر این اساس، تحلیل داده‌ها نشان داد که تمامی مضامین و مقوله‌های استخراج‌شده محوری حول یک مفهوم مرکزی سازمان یافته‌اند که عبارت است از: «بازتولید سرمایه اجتماعی اسلامی در بستر زیست اشتراکی»

این مقوله هسته بیانگر آن است که زیست اشتراکی در محله طرلان‌دره‌سی صرفاً پاسخی به کمبود مسکن یا محدودیت‌های اقتصادی نیست، بلکه سازوکاری اجتماعی برای حفظ، بازآفرینی و انتقال ارزش‌های مبتنی بر سبک زندگی اسلامی در شرایط محدودیت فضایی و معیشتی محسوب می‌شود. یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌هایی نظیر تعاون، همیاری، خانواده محوری، اخلاق همسایگی، مشارکت جمعی و حمایت متقابل، در بستر زیست

اشتراکی بازتولید می‌شوند و به ساکنان امکان می‌دهند در مواجهه با فشارهای اقتصادی و نابرابری‌های فضایی، پیوندهای اجتماعی خود را حفظ و تقویت کنند. باین حال، این فرایند همواره با چالش‌هایی همچون بحران حریم، فرسایش روانی، کنترل اجتماعی و ناامنی سکونتی همراه است؛ ازاین رو، بازتولید سرمایه اجتماعی اسلامی در این بستر، ماهیتی پویا، متناقض و زمینه‌مند پیدا می‌کند.

تحلیل جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که نخستین محور مقوله هسته، «بازتنظیم فضایی زندگی روزمره» است. مقوله‌هایی همچون «حریم‌داری فضایی»، «انعطاف‌پذیری کالبدی» و «هویت بومی سکونت» نشان می‌دهد که ساکنان برای انطباق زندگی روزمره خود با محدودیت‌های فضایی، به راهبردهایی نظیر استفاده چندمنظوره از فضا، تغییرپذیری عملکردی محیط سکونت و بازتفسیر الگوهای سنتی سکونت روی آورده‌اند. این فرایند بیانگر آن است که زیست اشتراکی نه به حذف کامل حریم، بلکه به بازتعریف و بازتنظیم آن در شرایط تراکم فضایی منجر شده است. دومین محور به «تقویت سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی» مربوط می‌شود. داده‌ها نشان می‌دهد که هم‌زیستی روزمره در فضاهای مشترک، زمینه شکل‌گیری الگوهایی از تعاون، حمایت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری جمعی را فراهم کرده است. مشارکت در نگهداری فضاهای مشترک، مراقبت از کودکان، تقسیم مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری جمعی درباره امور سکونتی، بیانگر بازتولید سرمایه اجتماعی در قالب ارزش‌هایی همچون شورا، همدلی و اخلاق همسایگی است.

سومین محور، «اقتصاد معیشتی مبتنی بر اشتراک منابع» است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اشتراک منابع و امکانات، مهم‌ترین راهبرد ساکنان برای تداوم سکونت در شرایط فشار اقتصادی است. تقسیم هزینه‌ها، استفاده مشترک از تجهیزات و شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی خانگی، نوعی اقتصاد معیشتی مشارکتی را پدید آورده است که امکان بقا و تداوم زندگی را برای خانوارها فراهم می‌سازد. چهارمین محور، «بازتولید ارزش‌های فرهنگی و دینی» است. سکونت چندنسلی، روابط خویشاوندی، حمایت از سالمندان و کودکان، احترام متقابل و رعایت قواعد استفاده از فضاهای مشترک نشان می‌دهد که بخشی از ارزش‌های اسلامی و الگوهای سنتی سکونت، همچنان در زندگی روزمره ساکنان حضور دارد و در قالب مناسبات اجتماعی بازتولید می‌شود.

با وجود این ظرفیت‌ها، یافته‌ها نشان می‌دهد که بازتولید سرمایه اجتماعی اسلامی

فرایندی بدون تنش نیست. بحران حریم و محرمیت، فرسایش روانی، کنترل اجتماعی و ناامنی سکونت، از مهم‌ترین پیامدهای منفی زیست اشتراکی به شمار می‌روند. این شرایط نشان می‌دهد که تداوم سرمایه اجتماعی در بستر زیست اشتراکی، نیازمند ایجاد تعادل میان همبستگی اجتماعی و حفظ حریم فردی است. در نهایت، یافته‌ها بر نقش سیاست‌گذاری و مداخله نهادی در پایداری این الگو تأکید دارند. مشارکت‌کنندگان بر ضرورت کنترل بازار اجاره، حمایت از اقشار کم‌درآمد، ارتقای عدالت فضایی و بازآفرینی الگوهای بومی سکونت تأکید کرده‌اند. از این منظر، بازتولید سرمایه اجتماعی اسلامی تنها حاصل روابط درون محله‌ای نیست، بلکه به پشتیبانی نهادی و سیاست‌های شهری متناسب با نیازهای ساکنان نیز وابسته است.

در مجموع، نتایج کدگذاری انتخابی نشان می‌دهد که زیست اشتراکی در بافت‌های کم‌درآمد شهری، صرفاً راهبردی برای تأمین سرپناه نیست، بلکه سازوکاری اجتماعی-معیشتی برای بازتولید سرمایه اجتماعی اسلامی، حفظ همبستگی اجتماعی و تداوم زندگی شهری در شرایط محدودیت‌های اقتصادی و فضایی محسوب می‌شود.

شکل ۲. مدل مفهومی نهایی بازتولید سرمایه اجتماعی اسلامی در بستر زیست اشتراکی اقشار کم‌درآمد (محله طرلان‌دره‌سی تبریز)



طبق این مدل مفهومی، زیست اشتراکی در محلات کم درآمد شهری، صرفاً پیامد عوامل کالبدی نیست، بلکه برآیند هم‌زمان فشارهای اقتصادی، بازتنظیم روابط اجتماعی و بازتفسیر الگوهای سکونت در بستر فرهنگ اسلامی است. یافته‌ها بیانگر آن است که زیست اشتراکی، در کنار ظرفیت بازتولید مؤلفه‌هایی چون تعاون، خانواده‌محوری و اخلاق همسایگی، در صورت ضعف حمایت نهادی و نارسایی‌های فضایی، می‌تواند به تشدید بحران حریم، فرسایش روانی و بی‌ثباتی سکونتی منجر شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی مؤلفه‌های سازگار با سبک زندگی اسلامی در الگوی زیست اشتراکی اقشار کم‌درآمد، تلاش کرد تجربه زیسته ساکنان محله طرلان دره‌سی تبریز را فراتر از نگاه صرفاً کالبدی و اقتصادی به مسکن تحلیل کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که زیست اشتراکی در این بافت، تنها پیامد فقر یا کمبود مسکن نیست، بلکه نوعی سازوکار انطباقی در مواجهه با بحران زمین، افزایش هزینه‌های سکونت و محدودیت دسترسی به مسکن مستقل شهری است؛ از طریق این سازوکار، فضا، روابط اجتماعی، معیشت و الگوهای فرهنگی به صورت هم‌زمان بازتنظیم می‌شوند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که بخشی از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در بستر زیست اشتراکی همچنان قابلیت بازتولید دارند. همیاری روزمره، مشارکت در نگهداری فضاهای مشترک، تقسیم منابع، مراقبت جمعی از کودکان و استمرار روابط خویشاوندی، بیانگر آن است که مفاهیمی همچون «تعاون» و «اخلاق همسایگی» همچنان در ساختار زندگی روزمره ساکنان حضور دارند.

همچنین تمایل به سکونت نزدیک بستگان، استفاده مشترک از حیاط و فضاهای نیمه عمومی و انعطاف‌پذیری فضایی واحدها نشان می‌دهد که الگوهای سنتی سکونت اسلامی، هرچند در شکلی متراکم و محدود، همچنان در تجربه زیسته ساکنان حضور دارند. درواقع، زیست اشتراکی برای بسیاری از خانوارها نه صرفاً اجباری اقتصادی، بلکه بستری برای حفظ شبکه‌های حمایتی، کاهش هزینه‌های معیشت و استمرار پیوندهای اجتماعی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌هایی همچون تعاون، خانواده‌محوری، اخلاق همسایگی و حمایت متقابل در الگوی زیست اشتراکی بازتولید شده‌اند؛ در مقابل، مؤلفه‌هایی مانند حریم‌داری، محرمیت و آرامش سکونتی، تحت تأثیر تراکم فضایی و اشتراک اجباری فضاها با چالش مواجه شده‌اند. از این رو، زیست اشتراکی نه بازنمایی کامل سبک زندگی اسلامی و نه نفی آن، بلکه عرصه‌ای برای بازتولید انتخابی بعضی مؤلفه‌ها و تضعیف برخی دیگر است.

درعین حال، یافته‌ها آشکار ساخت که این الگوی سکونت با تعارض‌ها و تنش‌های جدی نیز همراه است. کاهش قلمرو خصوصی، شنیداری بودن فضاها، دشواری رعایت حریمیت، محدودیت خلوت فردی و افزایش کنترل اجتماعی، بخشی از کارکرد آرامش‌بخش مسکن را تضعیف کرده است. به‌ویژه زنان و نوجوانان بیش از سایر گروه‌ها تحت تأثیر فشارهای ناشی از تراکم فضایی و اختلاط ناخواسته قرار دارند؛ بنابراین، اگرچه زیست اشتراکی توانسته است بخشی از نیازهای معیشتی و اجتماعی خانوارهای کم‌درآمد را پاسخ دهد، در صورت فقدان طراحی فضایی متناسب و نبود قواعد روشن برای مدیریت اشتراکات، می‌تواند به فرسایش آرامش روانی، افزایش تعارضات روزمره و تضعیف حریم خانوادگی منجر شود. یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش آن است که مسئله زیست اشتراکی را نمی‌توان صرفاً با رویکردهای فنی و مهندسی تحلیل یا حل و فصل کرد.

کیفیت این الگوی سکونت، بیش از آنکه صرفاً به تراکم کالبدی وابسته باشد، به نحوه تنظیم روابط اجتماعی، میزان حمایت نهادی، عدالت فضایی و انطباق فرهنگی الگوی سکونت وابسته است. از این رو، بازآفرینی الگوهای بومی سکونت، تقویت نظام‌های مشارکتی محلی، طراحی سلسله‌مراتبی فضاها، تأمین حریم‌های نیمه خصوصی و حمایت از الگوهای تعاونی مسکن، می‌تواند زمینه ارتقای کیفیت زیست اشتراکی را فراهم سازد.

درنهایت، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که زیست اشتراکی در بافت‌های کم‌درآمد شهری، پدیده‌ای دوجبه‌ای است؛ از یک سو ظرفیت تقویت همبستگی اجتماعی، تعاون و بازتولید برخی ارزش‌های سبک زندگی اسلامی را دارد و از سوی دیگر، در صورت ره‌اشدگی سیاستی و ضعف مداخلات اجتماعی-فضایی، می‌تواند به بازتولید نابرابری، بحران حریم و بی‌ثباتی سکونت بینجامد. از این رو، مواجهه با این پدیده نیازمند نگاهی فراتر از تأمین صرف مسکن و مبتنی بر فهم تجربه زیسته، الگوهای فرهنگی و عدالت اجتماعی در شهر معاصر است.

۵) پیشنهادهای پژوهش

مصاحبه‌های انجام‌شده نشان داد که استفاده مشترک از حیاط، مهم‌ترین بستر تعاملات اجتماعی، مراقبت از کودکان و شکل‌گیری روابط همسایگی در محله طرلان‌دره‌سی است. از این رو پیشنهاد می‌شود در طرح‌های نوسازی و بازآفرینی محله، الگوی حیاط‌محور و فضاهای باز مشترک کوچک مقیاس حفظ و تقویت شود و از جایگزینی کامل آن‌ها با الگوهای آپارتمانی متراکم جلوگیری شود.

• بسیاری از مشارکت‌کنندگان، شنیداری بودن واحدها، فقدان خلوت فردی و دشواری رعایت محرمانه را از مهم‌ترین مشکلات زندگی روزمره خود عنوان کردند، بنابراین پیشنهاد می‌شود در طراحی واحدهای جدید محله طرلان دره‌سی، فضاهای واسط نظیر ایوان، هشتی، حیاطک و عرصه‌های نیمه خصوصی پیش‌بینی شود تا امکان تفکیک مناسب قلمروهای خصوصی و جمعی فراهم شود.

• یافته‌ها نشان داد که بخش مهمی از حمایت معیشتی خانوارها از طریق سکونت نزدیک بستگان، مراقبت متقابل از کودکان و سالمندان و اشتراک برخی امکانات خانگی تأمین می‌شود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پروژه‌های بهسازی و تأمین مسکن، امکان استقرار خوشه‌های خویشاوندی و سکونت چندنسلی برای خانوارهای متقاضی در نظر گرفته شود.

• با توجه به نقش زنان در سازمان‌دهی روابط همسایگی، مراقبت از کودکان و مدیریت تعاملات روزمره در فضاهای مشترک، پیشنهاد می‌شود شهرداری تبریز و مراکز محلی، برنامه‌های آموزشی و مشارکتی ویژه زنان محله طرلان دره‌سی را با هدف تقویت شبکه‌های همیاری و کاهش تعارضات اجتماعی طراحی و اجرا کنند.

• ناامنی سکونتی و افزایش مستمر هزینه‌های اجاره از مهم‌ترین دغدغه‌های ساکنان بوده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیریت شهری، با همکاری نهادهای حمایتی، الگوهای تعاونی مسکن محله محور و تسهیلات ویژه برای بهسازی واحدهای فرسوده را در اولویت برنامه‌های خود برای خانوارهای کم‌درآمد ساکن طرلان دره‌سی قرار دهد.

منابع

۱. باقری، محمدامین، شهبازی، مظفرالدین، باصری، علی و سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۴۰۱). مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تحولات سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین خانواده‌های ایرانی از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تا کنون: وفاق، تفاوت یا شکاف ارزشی؟ (مطالعه موردی: خانواده‌های ساکن شهر اراک). پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۱(۴۲)، ۲۱۱-۲۳۱.
۲. بلالی اسکویی، آریتا و نظری، صادق. (۱۳۹۹). ارزش‌های مطلوب طراحی مسکن از منظر اندیشه اسلام (گامی در مسیر تبیین الگوی اسلامی ایرانی مسکن). فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۸(۱)، ۲۹۹-۳۴۵.
۳. سلوکانه‌میان‌دوب، حدیث، اکبری، علی و موذن، سجاد. (۱۴۰۲). مفهوم‌شناسی مؤلفه‌های ساخت مسکن مطلوب مبتنی بر نصوص اسلامی بر اساس روش داده‌بنیاد متنی. معماری و شهرسازی پایدار، ۱۱(۲)، ۱۴۵-۱۶۴.

۴. فعالی، محمد تقی. (۱۳۹۷). سبک زندگی و سیره؛ تمایزات و اشتراک‌ها. پژوهشنامه سبک زندگی، ۱(۴)، ۸۹-۱۰۴.
۵. کافی، مجید. (۱۴۰۳). زمینه‌های آمیختگی سبک زندگی اسلامی و ایرانی. پژوهشنامه سبک زندگی، ۲(۱)، ۹-۳۶.
۶. محمدرضا پورمحمدی، شهریور روستایی و علی میرزائی. (۱۴۰۲). تحلیلی بر رابطه بین تغییرات سبک زندگی و الگوی مسکن اسلامی (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۷(۸۳)، ۱۴۳-۱۵۰.
۷. مداین شیشوان، سیده فهیمه، بلیلان اصل، لیدا و ستارزاده، داریوش. (۱۴۰۵). تغییرات سبک زندگی اقشار کم‌درآمد و بازتولید ارزش‌های اسلامی در الگوهای زیست اشتراکی؛ مطالعه موردی: تبریز. اقتصاد و برنامه ریزی شهری، ۷(۵)، ۴۴-۶۲.
۸. ملکی، سعید و آریان کیا، مصطفی. (۱۳۹۸). ارزیابی شاخصه‌های مسکن تاریخی از دیدگاه سبک معماری ایرانی- اسلامی در راستای تحول‌پذیری سبک معماری نوین (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر گرگان). فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۷(۱۳)، ۳۶-۶۲.

9. Andrews, F., Warner, J., Newton, J., & Coulson, J. (2024). Cohousing as a model for social health: A scoping review. *Cities & Health*, 8(1), 22–35. <https://doi.org/10.1080/23748834.2020.1838225>
10. Bergan, T. L., Gorman-Murray, A., & Power, E. R. (2021). Coliving housing: Home cultures of precarity for the new creative class. *Social & Cultural Geography*, 22(9), 1204–1222. <https://doi.org/10.1080/14649365.2020.1734230>.
11. Booi, H., & Boterman, W. R. (2020). Changing patterns in residential preferences for urban or suburban living of city dwellers. *Journal of Housing and the Built Environment*, 35, 93–123. <https://doi.org/10.1007/s10901-019-09678-8>.
12. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>.
13. Coricelli, F. (2022). The co-'s of co-living: How the advertisement of living is taking over housing realities. *Urban Planning*, 7(1), 296–304. <https://doi.org/10.17645/up.v7i1.4805>.
14. Durrett, C., & McCamant, K. 2011. *Creating cohousing: Building sustainable communities* (2nd ed.). New Society Publishers.
15. Fiaz, G. (2021). Towards a low-income housing strategy in the spirit of Islam: The case of Lahore, Pakistan [Thesis, Hamad Bin Khalifa University]. Manara. https://manara.qnl.qa/articles/thesis/Towards_a_Low-Income_Housing_Strategy_in_the_Spirit_of_Islam_The_Case_of_Lahore_Pakistan/28434092/1
16. Gallo, A., Ballerini, A., & Vignoli, D. (2025). Measuring housing insecurity: The relationship with subjective well-being across family types in Italy. *Statistical Methods & Applications*, 34, 979–999. <https://doi.org/10.1007/s10260-025-00813-0>.
17. Grundström, K., Grander, M., Lazoroska, D., & Molina, I. (2024). Sharing housing: A solution to – or a reflection of – housing inequality? *Journal of Housing and the Built Environment*, 39, 2049–2068. <https://doi.org/10.1007/s10901-024-10130-9>.

18. Kabir, M., Kabir, M. R., & Islam, R. (2025). Islamic Lifestyle Applications: Meeting the Spiritual Needs of Modern Muslims. *International Journal of Human-Computer Interaction*. <https://doi.org/10.1080/10447318.2025.2595545>.
19. Heath, S. (2020). Balancing the formal and the informal: The relational challenges of everyday practices of co-operation in shared housing co-operatives in the UK. *Social & Cultural Geography*, 22(9), 1256–1273. <https://doi.org/10.1080/14649365.2020.1757138>.
20. Lang, R., & Giovannini, M. (2025). Housing needs and cooperative housing models: A scoping review (Euricse Working Papers No. 136|25). SSRN. <https://doi.org/10.2139/ssrn.6173163>.
21. Lee, S. (2021). A study on the changes in sharehouse design in Korea. *Buildings*, 11(7), 307. <https://doi.org/10.3390/buildings11070307>.
22. Levin, I., Santiago, A. M., & Arthurson, K. (2022). Creating mixed communities through housing policies: Global perspectives. *Journal of Urban Affairs*, 44(3), 291–304. <https://doi.org/10.1080/07352166.2021.1983442>.
23. Moreira, A., & Serdoura, F. (2025). The spatial logic of privacy: Uncovering privacy patterns in shared housing environments. *Buildings*, 15(19), 3532. <https://doi.org/10.3390/buildings15193532>.
24. Pile, S., Cramer-Greenbaum, S., Yazici, E., Keith, M., Murji, K., & Solomos, J. (2026). Social housing as a social infrastructure: The coexistence of divergent socials on a North London council estate. *Urban Geography*, 1–24. <https://doi.org/10.1080/02723638.2026.2639705>.
25. Pusparini, M. D., Herianingrum, S., Bahari, Z., & Furqani, H. (2024). Scrutinizing a frugal lifestyle in spiritual dimensions: An Islamic ethical consumption framework. *International Journal of Ethics and Systems*, 42(3), 779–801. <https://doi.org/10.1108/IJOES-01-2024-0027>.
26. Rahmah, S., Putrie, Y. E., Handryant, A. N., & Maslucha, L. (2025). Islamic housing projects and environmental awareness: Investigating the concepts and implementations behind the notion of 'Islamic environment'. *Journal of Islamic Architecture*, 8(4), 1056–1070. <https://doi.org/10.18860/jia.v8i4.26985>.
27. Ronald, R., Schijf, P., & Donovan, K. (2023). The institutionalization of shared rental housing and commercial co-living. *Housing Studies*, 39(4), 1–25. <https://doi.org/10.1080/02673037.2023.2176830>.
28. Tan, T. H., & Toh, E. (2025). Millennials' perspectives: Motivations for co-living in a developing nation. *Open House International*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1108/OHI-12-2023-0296>.